

حکایت دولت و فرزانیگی (مارک فیشر)

داستان کتاب حکایت دولت و فرزانیگی مربوط به جوانی است که در شرکتی مشغول به کار است و به شدت از کارش بیزار است و به دنبال راهی برای افزایش درآمد و ثروتمند شدن می گردد. به توصیه عمومی ثروتمندش به ملاقات یک پیرمرد میلیونر خود ساخته می رود...

پیرمرد جوان را به حضور می پذیرد و به او راهکارهایی برای ثروتمند شدن ارائه می دهد.

در اینجا قصد داریم بعضی موارد را به اختصار بیان کنیم:

- نسبت به انتخاب حرفه و کاری که انجام می دهی، دید مثبت داشته باش.
- کار برای همه میلیونرها فعالیتی دلپذیر و لذت بخش بوده است.
- اگر فکر کنی نمی توانی دولتمند شوی، به ندرت ثروتمند می شوی.
- بزرگ ترین محدودیت هر کس کمبود تخیل اش است.
- اشخاصی که صبر می کنند تا اوضاع و شرایط عالی از راه برسد، هرگز کاری را به انجام نمی رسانند.
- زمان مطلوب برای عمل همین حالا است.
- به خود، ادراک، فهم و ندای درونی تان ایمان داشته باشید.
- زندگی دقیقاً همان چیزی را به ما می دهد که از آن طلب می کنیم.
- بیشتر کسانی که ثروتمند شده اند با نوشتن رقم و زمان آن به آنچه خواستند، رسیدند.
- تمام رویدادهای زندگی آیینه ای است که اندیشه هایت را بازمی تاباند.
- بزرگ ترین محدودیت ها، محدودیتی است که انسان به خود تحمیل می کند.
- بزرگ ترین مانع کامیابی، مانع ذهن است.
- تا زمانی که به آرمان ثروتمند شدن خو نگرفته ای و این آرمان بخشی از زندگی و جزو درونی ترین اندیشه هایت نشده، هیچ چیز نمی تواند کمک کند تا دولتمند شوی.
- هر چه منش انسان نیرومندتر باشد، اندیشه هایش قدرتمندتر خواهد بود و سریع تر متجلی خواهد شد.
- راه ثروتمند شدن خواستن شدید آن است. در هر زمینه زندگی، شدت، لازمه رسیدن به آن است.
- خواستن بهترین تضمین تجلی اندیشه هاست. هر چه خواستن شدیدتر باشد خواسته ها با شتابی بیشتر در زندگی متجلی می شوند.
- کلام بر زندگی مان تأثیر شگرفی دارد.
- هر اندیشه -حتی دروغ- می تواند در زندگی ما تأثیر گذار باشد.
- زندگی ما چیزی جز بازتاب ضمیر درونی مان نیست. اوضاع و شرایط زندگی آیینه ای است که تصویر زندگی درونی را باز می نماید.
- این یک راز است: عشق به هر کار و عملی که می کنی و عشق به دیگران، موجب برکت و شگفتی در زندگی می شود.